



شاهدی از جبهه غرب

گفت‌وگو با سردار رضا محمدی نیا درباره کتاب از جوانرود تا پیرانشهر



شهید محمد بروجرودی در میان رزمندگان و هم‌زمانش در مناطق عملیاتی کردستان /اوایل دهه ۱۳۶۰

دفاع مقدس

بهار خسروی

کتاب

تاریخ، تنها ثبت خشک و بی‌روح وقایع در تقویم‌ها نیست؛ بلکه جریان زنده و تپنده‌ای از جانفشانی‌ها، رنج‌ها و پایداری انسان‌هایی است که سرنوشت یک سرزمین را بر شانه‌های استوار خویش حمل کرده‌اند. در میان برگ‌های پرشمار تاریخ معاصر ایران، دوران هشت ساله دفاع مقدس بی‌گمان نقطه عطفی بی‌بدیل در تکوین هویت جمعی و حماسی این ملت به شمار می‌رود. با فرارسیدن هفته دفاع مقدس، بار دیگر فرصتی مغتنم و شایسته پیش می‌آید تا نگاه‌مان را از قیام‌های روزمرگی بگیریم و به افق‌های دوردست حماسه و ایثار بدو‌ریم؛ روزهایی که خاک این مرز و بوم با خون پاک‌ترین فرزندان‌ش تطهیر شد و جلوه‌ای از پایداری تکرارناپذیر تاریخ را رقم زد. یکی از ارزشمندترین و صادقانه‌ترین راه‌های بازخوانی و انتقال این میراث گرانبها به نسل‌های امروز و فردا، تاریخ شفاهی است. تاریخ شفاهی با عبور از تحلیل‌های کلی و روایت‌های رسمی، ما را به درون سنگرها، شیار کوه‌ها و

ژرفای دل فرماندهان و رزمندگان می‌برد؛ جایی که عاطفه، باور، تدبیر نظامی و حس پاک میهن‌دوستی با یکدیگر پیوند می‌خورند. کتاب «از جوانرود تا پیرانشهر» نمودی روشن و درخشان از همین زاویه دید اصیل است؛ اثری ماندگار که بخشی دشوار، پیچیده و کمتر بازگو شده از حماسه‌های جبهه‌های شمال غرب را در آئینه خاطرات به تصویر کشیده است. به مناسبت هفته دفاع مقدس، پای صحبت‌های سردار رضا محمدی نیا نشستیم؛ رزمنده و فرمانده پیشکسوتی که خود راوی و شاهد عینی حوادث پرفراز و نشیب این کتاب است. او با حضوری مستمر و سرشار از خطرپذیری در مناطق حساسی چون جوانرود، سردشت، بانه و پیرانشهر، گنجینه‌ای زنده از تجربیات، ناگفته‌ها و رشادت‌های آن دوران پرمخاطره را در سینه دارد. در این گفت‌وگو، تلاش کرده‌ایم نه فقط به مرور خاطرات و بازخوانی فصول کتاب بپردازیم، بلکه فراتر از آن، به چرایی و ضرورت نگارش تاریخ شفاهی، دشواری‌های نبرد در جبهه‌های غرب، روحیه حاکم بر رزمندگان و مهم‌تر از همه، پیام و رسالت زنده نگاه داشتن یاد شهدا برای نسل جوان امروز بی‌برسیم. صحبت‌های سردار محمدی نیا، تصویری شفاف از انسان‌هایی می‌سازد که با تکیه بر ایمان و وظیفه‌شناسی، از فراز و نشیب کوه‌های سر به فلک کشیده شمال غرب عبور کردند تا آرامش و عزت را برای این سرزمین به ارمغان آورند.

اقدامات نظامی و امنیتی نداشتیم. درک و فهم این شهید بزرگوار از مسائل منطقه بسیار بالا بود. از همه اینها مهم‌تر ایشان به مردم و تحقق وعده‌های الهی باور داشت. خیلی وقت‌ها برخی از دوستان در مورد کاری که می‌خواستند انجام بدهند دچار تردید شدید می‌شدند ولی ایشان با استناد به ادیان و روایات و اعتقاداتی که داشت، وعده بسیار محکم می‌داد و قاطعانه می‌گفت که این کار شدنی است و ما می‌توانیم انجام بدهیم. این نکته از نظر ما خیلی مهم بود و به عنوان شاگردان ایشان پشت سرشان حرکت می‌کردیم.

شهید بروجرودی با مردم به خوبی ارتباط برقرار می‌کرد، به خصوص با مردم بومی منطقه. این شهید بزرگوار مسائل اهداف نظام را برای آنها تشریح می‌کرد و برای برقراری امنیت و پایداری کردن اهداف نظام همکاری آنها را مطالعه می‌کرد، آنها هم مشارکت می‌کردند. گروه‌هایی هم بودند که به مردم متکی و با ایجاد تغییرات شناختی، آنها را به مبارزه با نظام می‌طلبیدند اما روحیه شهید بروجرودی از مردم نه تنها برای ضد انقلاب و اشهر هکسار ساخت بلکه مردم را علیه آنها بسیج کرد، خودشان برای مقابله با گروه‌های ضد انقلاب بسیج شدند و با سپاه و نیروهای مسلح همکاری کردند و موجب موفقیت‌های بسیاری شدند. ما امنیت کردستان را مرهون مشارکت و همکاری مردم کردستان در صحنه می‌دانیم. ما به چشم دیدیم که اتکا به مردم بومی که متعهد به آن سرزمین بودند، کارساز شد و به لطف الهی اعتقادات مشترکی برای برقراری امنیت رسادت‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات دیگر را بیان کرده‌ام. از طرفی هم هدف من این بود که برخی از مطالب را بازگو کنم تا دوستان دیگر آن را مطالعه کنند و بخشی از خاطراتی که من ندیدم برای آنها یادآوری شود.

شهید بروجرودی به عنوان مسیح کردستان شهرت یافته؛ شما که از نزدیک با ایشان کار کردید، چه ویژگی‌های اخلاقی باعث می‌شد که در قلب مردم کردستان جای بگیرد و با فرماندهان دیگر متفاوت باشد؟ شهید بزرگوار محمد بروجرودی خودش را نمی‌دید، دیگران و تکلیف را می‌دید. ایشان یک انسان بسیار تکلیف‌محور و فداکار بود. آن روزی که از فضای دانشگاهی وارد منطقه شدیم هیچ شناختی از کردستان، امنیت،

اولین بار چه زمانی راهی جبهه شدید؟ چطور شد که به این تصمیم رسیدید؟ سال ۱۳۵۸ و یک سال بعد از انقلاب اسلامی ایران راهی جبهه شدم. آن زمان دانشجوی بودم. با پیروزی انقلاب اسلامی در مناطق غربی و شمال غربی کشور - کردستان - دچار آفتی به نام تجزیه‌طلبی شدید. انقلاب نوپا بود و با توجه به عدم آمادگی بخشی از ارگان انقلاب برای تأمین امنیت داخلی و مشکلاتی که در این رابطه بود، حضرت امام (ره) از مردم دعوت کردند که به کمک نیروهای مسلح شتافته، به کردستان بروند و آنها را یاری کنند. من هم توفیق پیدا کردم که در اردیبهشت ۱۳۵۸ به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - که آن زمان هنوز به عنوان نهاد نوپای مردمی شناخته می‌شد- بپیوندم و بعد از آموزشی کوتاه به سمت منطقه کردستان بروم. ابتدا از کرمانشاه به سمت جوانرود و به تدریج در مناطق مختلفی از استان کردنشین کشور که امروز به نام منطقه غرب و شمال غرب شناخته می‌شود، یعنی کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی خدمت خود را آغاز کردم. انگیزه اصلی هم فرمان امام (ره) بود و انجام تکلیف و مقابله با آسبایی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کرد.

چه مسئولیت‌هایی به شما سپرده شد و اولین مواجهه شما با چه افرادی بود؟ ابتدا در استان کرمانشاه که در اصل مرکز هدایت عملیات‌های امنیتی و رزمی بود به عنوان رزمنده خدمت کردم و در عملیات‌های مختلف برای مقابله با اشهر کرد. انقلاب نوپای آن روز توسط سازمان امنیتی عراق تهدید می‌شد و ناامنی‌هایی نیز در داخل کشور وجود داشت. وقتی وارد جبهه‌های غرب شدم، شهید محمد بروجرودی فرمانده نیروهای مسلح آن منطقه بود و با ایشان آشنا شدم. بعد از مدتی هم بخشی از امورات فرهنگی، خدمت‌رسانی و بحث‌های جهادی و اجرایی به من سپرده شد.

در نگارش «تاریخ شفاهی دفاع مقدس از جوانرود تا پیرانشهر»، کدام بخش از خاطرات‌تان شما را با چاشنی بزرگ برای بازگویی مواج چه کرد؟ و کدام خاطره را روایت شما را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

وقتی که وارد منطقه شدیم، افتخار خدمت و همراهی با فرماندهان بزرگی همچون

احساس نکتمیم که مردم ابزار ما هستند و به هر صورت باید با ما باشند. از منش شهید بروجرودی به این جمع‌بندی رسیدیم که وقتی به مردم بگوییم ما شما را قبول داریم، آنها فداکاری‌های بسیاری خواهند داشت.

سردار، شما جنگ هشت ساله را از نزدیک تجربه کردید. حال اگر بخواهید آن را با جنگ‌های دوازده روزه‌ای جنگ رمضان مقایسه کنید، به نظر شما چه تفاوت‌های اصلی دارند؟ به نظر‌تان جنگ آن زمان چه فرقی با این جنگ‌ها داشت؟

جنگ‌ها کلاً دو بحث دارند: تاکتیک‌ها و راهبردها. تاکتیک‌ها ممکن است در هر جنگی متفاوت باشد. آنچه که ما در مناطق شمال غرب و بعد هم در مناطق جنوب کشور و جنگ با رژیم بعث عراق تجربه کردیم، در مدل تاکتیک بسیار متفاوت بود. حتی در عملیات‌های مختلف هم فرق داشت. تاکتیک‌ها بنا به وضعیتی که اتفاق می‌افتد، یعنی اقدامی که دشمن می‌کند، متفاوت هستند. ما متناسب با اقدام دشمن، تاکتیک را انتخاب و با دشمن مقابله می‌کنیم. در بحث تاکتیک، بین جنگ‌های دهه اول و دهه پنجم انقلاب به‌خصوص آمریکای متجاوز و رژیم صهیونیستی جانیکار، تاکتیک‌ها با ما بسیار متفاوت بوده‌اند. تاکتیک‌ها بنا به شرایط، زمان و مکان و وضعیت دشمن تفاوت می‌کند. اما راهبردهای جنگ ۸ ساله با جنگی که امروز انجام می‌دهیم، تفاوتی با هم ندارند. ما در دهه اول انقلاب با دشمنی جنگیدیم که شناختی از او نداشتیم. دشمن بسیار مجهز بود. حدود ۲۴ کشور به رژیم بعثی صدام در آن زمان، چه برای بحث تجزیه‌طلبی کردستان و چه بحث جنگ ۸ ساله کمک می‌کردند و به آنها تجهیزات، هواپیما و موشک می‌دادند. امروز هم دارد همین اتفاق می‌افتد. حالا امروز مدل و ابزار جنگ‌ها تفاوت کرده است. با اینکه از فناوری‌های روز مثل فضای آبی و جنگ‌های سایبری استفاده می‌شود، اما نوع مقابله در راهبرد همان است. اگر اعتقاد داشته باشیم که نصر الهی قطعی است و به حضور مردم در صحنه و مشارکت قسطی مردم در مقابله با دشمن ایمان داشته باشیم و به اهداف نظام که الهی و مردمی است نگاه کنیم، پیروزی برای ما خواهد بود. دشمن امروز تجهیزات بسیار زیادی از جمله هوش مصنوعی در اختیار دارد، ما هم به لطف الهی بعد از گذشت ۴ دهه تجهیزات بسیاری را به دست آورده‌ایم. ممکن است که تجهیزات ما قابل مقایسه با تجهیزات دشمنان نبوده باشد اما ما اراده ملی و باور عمومی مردم را داریم. مردم امروز درک کرده‌اند که دشمن جانیکار است و تا آخرین لحظه و آخرین صحنه پای کار می‌ایستد تا به نیات و اهداف خودش برسد. به لطف الهی و بعد از تجربه جنگ ۸ ساله و فداکاری رزمندگان، ما به امروز دسترسی ما به سلاح‌ها، موشک‌ها و تجهیزات روز قابل توجه بوده که دشمن را هم متحیر کرده است. ما یک راهی را از آغاز انقلاب دنبال کرده‌ایم و همچنان امروز هم باید همان را دنبال کنیم.

سردار اخباری بود که دشمن صهیونیستی قصد داشته از سمت کردستان عراق حمله زمینی انجام دهد. با توجه به شناختی که شما از آن منطقه دارید و سال‌ها آنجا بوده‌اید، نظر شما چیست؟ از اول جنگ رمضان که مرزهای شمال غرب کشور و منطقه کردستان به عنوان بستری برای نفوذ عناصر آمریکایی و رژیم صهیونیستی مطرح می‌شد، بسیاری از رزمندگان که در آن روزگار مهارت ما بودند و فرزندان‌شان که امروز رزمنده هستند و در خدمت نظام، با ما تماس می‌گیرند که چنین اتفاقی در این مناطق در حال رخ دادن است. من شناخت خوبی در دهه اول انقلاب روی مردم و حضور افراد را دنبال می‌کنم و مردم کردستان دارم. مردم کردستان در دشمن‌شناسی نمره خوبی آورده‌اند و این دشمن‌شناسی نه تنها در آن دهه‌ها ما را نجات داد، امروز هم به همین صورت خواهد بود. یعنی اگر آن روز مردم در مورد عملکرد گروهک‌ها، اشهر، دموکرات‌ها شک داشتند که آیا اینها به خاطر مردم کرد دارند می‌جنگند یا نه، امروز من ایمان دارم که کوچک و بزرگ مردم کردستان یقین دارند که آمریکا متجاوز و رژیم صهیونی رژیم باطل است. دشمنان همچنان درصدد تحریک مردم و نفوذ گروه‌های کردی از شمال عراق و مناطق غربی کشور به داخل هستند تا در نظام ضربه بزنند. من اخبار را دنبال می‌کنم و الحمدلله پیروزی‌های زیادی را می‌شنوم. باور مردمی خود مردم کردستان اجازه نخواهد داد که چنین اتفاقی بیفتد. البته دشمن آن اراده خودش را دارد و می‌تواند اقدامات را در مناطق غربی کردستان به عمل بیاورد و از همه مهم‌تر باور به نیروهای مردمی و سرمایه انسانی مهم‌ترین ویژگی‌های شهید بروجرودی به حساب می‌آید. سرمایه انسانی نباید دچار انحراف شناختی شود و بایستی بتوانیم اهداف را به خوبی با آنها در میان بگذاریم و آنها را به مشارکت طلبیم. همچنین به راه خود ایمان و به مردم باور داشته باشیم.



شهید بزرگوار محمد بروجرودی را خودش را نمی‌دید، دیگران و تکلیف را می‌دید. ایشان بسیار انسان بسیار تکلیف‌محور و فداکار بود. آن روزی که از فضای دانشگاهی وارد منطقه شدیم هیچ شناختی از کردستان، امنیت، اقدامات نظامی و امنیتی نداشتیم. درک و فهم این شهید بزرگوار از مسائل منطقه بسیار بالا بود. از همه اینها مهم‌تر ایشان به مردم و تحقق وعده‌های الهی باور داشت

در میدان نبرد

می‌شود که خواننده دچار سردرگمی نشود. با این حال، غنای کتاب در جزئیات است. توصیف دقیق فضای روستاها، نوع پوشش، لحن گفت‌وگوها، سرمای طاقت‌فرسای کوهستان‌های غرب و حس تنهایی یا رفاقت در شب‌های عملیات، همچون تصاویری در ذهن مخاطب می‌نشینند. در نهایت، می‌توان گفت که «تاریخ شفاهی دفاع مقدس: روایت رضا محمدی نیا از جوانرود تا پیرانشهر»، گام ارزشمندی در تکمیل پازل بزرگ حافظه تاریخی ایران است. برای مخاطبانی که به دنبال ادبیات مستند و تحلیلی هستند، این کتاب منبعی است که آنها را به اندیشیدن وادار می‌کند؛ اندیشیدن به سختی‌های جنگ، پیچیدگی‌های استراتژیک آن، لایه‌های زیرین مدیریت بحران و جان‌فشانی‌هایی که در سکوت کوهستان‌های غرب صورت گرفت. این اثر در واقع، یک ادای احترام آرام و متین به تمام کسانی است که در گمنامی، سهمی بزرگ در حفظ تمامیت ارضی این سرزمین داشته‌اند.

از کودکی تا فرماندهی

کتاب در مجموع شامل ۲۲ گفت‌وگوست که در ۵ فصل دسته‌بندی شده و مسیر زندگی راوی را از دوران کودکی تا فرماندهی‌های ارشد در غرب کشور ترسیم می‌کنند. فصل اول با عنوان «از تولد تا عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ریشه‌های شخصیت انقلابی رضا محمدی نیا را بررسی می‌کند. روایت‌های آغازین به دوران کودکی او در محله مذهبی جوادیه تهران، تأثیرات خانواده و پدر پستی‌اش و حضور در مسجد اصغریه زنجان‌ی‌ها اختصاص دارد. در ادامه، او از کنش‌های سیاسی پیش از انقلاب، شرکت در جمع‌های جوان نماز عید فطر قیطریه و ۱۷ شهریور تا بازداشت توسط ساواک و تجربه زندان می‌گوید. با پیروزی انقلاب، روایت به حضور او در خانه شهید بهشتی و سازماندهی نیروها در یادگان ولی‌عصر (عج) می‌رسد که نقطه عطف آن، آشنایی و شروع همکاری با شهید محمد بروجرودی است؛ رفاقتی که مسیر حرفه‌ای و شخصی او را در بخش دوم باعنوان «حضور در مناطق غرب و شمال غرب کشور، وارد فضای پرچالش کردستان می‌شویم. محمدی نیا از انتصابش به بخشدار جوانرود و مدیریت شهرداری در شرایطی که منطقه درگیر ناامنی بود، می‌گوید. او از خاطراتش در درمان بیماران بومی، واگیره با گروه‌های ضد انقلاب و مناظره‌های ایدئولوژیک با معلمان کمونیست روایت می‌کند. پس از آن، تشکیل ستاد اوامانات برای هماهنگی پناه و جوانرود و پذیرش جانشینی ستاد منطقه ۷ روایت می‌شود. در این بخش همچنین به دوران پس از عزل بنی‌صدر، مذاکره با گروه اهل حق برای برقراری امنیت و روبریک فرهنگی شهید بروجرودی برای مقابله با جنگ روانی دشمن اشاره شده است. بخش سوم، حضور در جبهه‌های جنوب و مسئولیت در تبلیغات قرارگاه حمزه»، مسئولیت‌های میانی راوی را پوشش می‌دهد. پس از شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی در کرمانشاه و ناآرامی‌های آن مقطع، او راهی جبهه جنوب می‌شود، اما بزودی به ارومیه منتقل شده و جانشینی تبلیغات قرارگاه حمزه سیدالشهدا را می‌پذیرد. در این قسمت، به ماهوریت‌های سه‌گانه این قرارگاه، مقابله با بعثی‌ها، امنیت و پایداری و پشتیبانی شهری و فعالیت‌های گسترده هنری-فرهنگی برای روشننگری مردم اشاره دارد. شهادت شهیدان بروجرودی و ناصر کاظمی و انتصاب راوی به فرماندهی سپاه سلماس در سال ۱۳۶۲ و عملیات لیلة‌القدر از دیگر نکات این فصل است.

فصل چهارم با عنوان «فرماندهی سپاه پیرانشهر» اوج فعالیت‌های عملیاتی سردار رضا محمدی نیا در غرب است. او در این بخش جزئیات پیاده‌سازی برنامه‌های هفت‌گانه امنیتی شهید بروجرودی شامل کارهای اطلاعاتی و مردمی را شرح می‌دهد. او به آموزش‌های رزمی برای مقابله با شایعات ضدانقلاب اشاره می‌کند و روایت دو عملیات مهم از جمله نصر ۴ را بازگو می‌کند. ایستادگی نیروهای سپاه در برابر تهاجم دشمن در روزهای پایانی جنگ - پس از پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸- نیز بخشی از روایت‌های این بخش است. بخش پنجم با عنوان «پایان مأموریت در شمال غرب»، به وقایع پس از جنگ می‌پردازد. گسترش بسج خواهران، سفر آیت‌الله خامنه‌ای به آذربایجان غربی و مسئولیت‌های او در سپاه منطقه ۱۱ کردستان و تیب بیت‌المقدس از موضوعات این فصل است. در نهایت، راوی به وقایع پس از حمله صدام به کویت، ایجاد قرارگاه‌های مردم‌یاری برای آوارگان شیعه عراق در مرزا و پایان چهارده سال حضور متوالی‌اش در غرب برای پذیرش فرماندهی لشکر ۳ شهدا اشاره می‌کند.



تاریخ شفاهی دفاع مقدس روایت رضا محمدی نیا از جوانرود تا پیرانشهر

● به‌گوشی: حمید حاذق نیکرو

● انتشارات: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

● تعداد صفحات: ۶۰۴ صفحه

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان

● قیمت: ۱۸۵،۰۰۰ تومان